

امیرحسین خان (رشیدخان سردار کل قوچان) ۳۵ سال امیر و حاکم امیرنشین کرمانج شمال خراسان (از سال ۱۸۵۸ تا ۱۸۹۳ میلادی)

امیر حسین خان شجاع الدوله (رشیدخان)، ایلخان و حاکم (میر / امیر) حکومت محلی کرمانج به مرکزیت قوچان و یکی از افراد مردم دوست، خیرخواه و بسیار قدرتمند بود.

ایران در آن موقع بصورت امارات (امیرنشین ها، ساتراپ ها) و یا ایالت‌های گوناگون که دارای حکومت‌های محلی خود بودند اداره می شد. کشور امارات متحده عربی کماکان آن شیوه حکومتی را هنوز هم حفظ کرده است که خود نوعی حکومت غیرمتمرکز یا حکومت فدرال سنتی محسوب می شود. کودتای رضاشاه سیستم امیرنشین‌های ایران (حکومت فدرالی سنتی ایران) را با خشونت و خونریزی به حکومت مرکزگرا و استبدادی تغییر داد (ایجاد به اصطلاح یک ملت و یک دولت برای ایران کثیرالملله با توسل به زور و سرکوب) که متأسفانه بعد از رضا شاه نیز تداوم یافت.

حکومت سی و پنج ساله میر رشیدخان کرمانج به مرکزیت قوچان موجب شده بود که قزاقها و ترکمانان از دست‌اندازی به حوزه خراسان صرفنظر کنند و آرامش در منطقه شمال خراسان حکمفرما باشد. بر اثر قراردادهای ننگینی که در حکومت قاجاریه بسته شد، شهرهای زیادی از بیکره منطقه شمال شرق ایران جدا و به روسیه واگذار گردید.

قرارداد آخال نیز از همان ننگین‌نامه‌ها بود که ناصرالدین شاه به مردم ایران تحمیل کرد. شهرهای گردنشین فیروزه و باقر را که هم اکنون نیز در ترکمنستان درخشش خاصی دارند، در کنار قرارداد آخال، می‌بایستی به روسیه تحویل می شدند. چندین بار از طرف حکومت مرکزی ایران به حکومت محلی میر رشیدخان شجاع‌الدوله (سردار کل یا ایلخان کل اتحادیه ایلهای کرمانج شمال خراسان / کنفدراسیون ایلی زعفرانلو) دستور حرکت به سوی ترکمنستان و تحویل فیروزه داده شده بود. اما رشیدخان هر بار به بهانه‌های مختلف زیر این بار نرفته بود و نمی‌خواست که قسمتی از سرزمین و مسکن گردهای شمال خراسان را (که با ریختن خون خود و عزیزانشان آن را حفظ و از حدود و ثغور آن پاسداری کرده اند) بخاطر عیلتی و بی‌لیاقتی شاه و همچنین فساد و رشوه‌داری، تجزیه و به بیگانگان بسپارد. اما بالاخره ناصرالدین‌شاه فرستاده مخصوص خود (محمد صادق خان امین نظام) را از مرکز اعزام داشت و مؤکداً به میر رشیدخان شجاع‌الدوله دستور داد که فیروزه را تحویل دهند. چون شهر فیروزه در حوزه حکومت محلی رشیدخان شجاع‌الدوله قرار داشت این بار ایشان به ناچار و با چشمانی اشک‌آلود عازم محل گردید، و به نزدیکان خود گفت که دعا کنید این مأموریت ننگین به انجام نرسد، چون واگذاری قسمتی از سرزمین با دست خودم به دیگران واقعاً یک ننگ تاریخی و بسیار دردناک است.

بهرحال کاروان از شهر قوچان به سوی فاروج راه می‌افتد. تا آنجا را با کالسکه رفتند و بعد از فاروج، میر رشیدخان هوس اسب‌سواری می‌کند و از کالسکه پایین می‌شود و به اسب سیاه‌رنگی، که چندی پیش از دربار حکومت مرکزی برایش فرستاده بودند، سوار می‌شود. چون امیر رشیدخان با وجود کهولت سن اسب سوار ماهری بوده است، دیگران هم به تبعیت او از کالسکه‌ها پیاده می‌شوند و با اسب بسوی شهر فیروزه حرکت می‌کنند. هنوز مسافتی کوتاه از فاروج دور نشده بودند (نزدیک به روستای برزل آباد) که اسب امیر حسین‌خان و فرستاده شاه که در یک ردیف حرکت می‌کردند، با هم گلاویز می‌شوند. اسب امیر رو به پشت برمی‌گردد و امیر پایش در رکاب گیر می‌کند و در زیر اسب می‌ماند. با اینکه دکتر از روسیه می‌آورند و دکتر مخصوص خود او هم حضور داشته، معالجات مؤثر واقع نمی‌شوند و روز دیگر در سن حدوداً هشتاد سالگی به دیار باقی می‌شتابد (یعنی در روز دوم

سفرش وفات یافت؛ امروز دو روزه لלו، فردا سه روزه لو ... رشید نیومد للو، دلم می سوزه لو، (...).
همراهان و مردم که مطلع شده بودند، بسیار ناراحت و غمگین می‌شوند و جنازه را با روپوش سیاه در کالسکه‌ای
قرار می‌دهند و این بار همان اسب سیاه حامل جنازه می‌گردد.

آری رجال دلسوز و با شرافت کُرمانج شمال خراسان به همت مردم آن دیار نه تنها هرگز فراموش نخواهند شد،
بلکه راه آنان را سرمشق خویش در دستیابی مطالبات حقدار خود قرار می‌دهند. در این هنگام بود که سردار
عیوض خان جلالی در ناحیه نوار مرزی شهر فیروزه بر علیه حکومت مرکزی و این قرارداد ننگین قیام کرد.

Îro du ro ne lêlo sibe sê ro ne lo
امروز دو روزه للو فردا سه روزه لو

Reşîd nehatiye lêlo dil dişewite lo
رشید نیومد للو دلم می‌سوزه لو

Way awy Reşîdxan serdarê kulî (giştî) Qoçan (2)
های های رشیدخان سردار کل قوچان (۲)

Hespê şah bêxwedî ma û em daxdar kirin way
اسب شاه بی‌صاحب ماند و ما داغدار شدیم وای

Dişmen şa û em xwar û zar kirin way
دشمن را شاد و ما را خوار و زار کرد وای

Qoçan bêşahîb û em xakisar kirin way
قوچان را بی‌صاحب ما را خاکسار کرد های

Way way Reşîdxan serdarê kulî (giştî) Qoçan (2)
های های با تو هستم رشیدخان سردار کل قوچان (۲)

فوت امیرحسین‌خان شجاع‌الدوله (میر رشیدخان) این بزرگ مرد سیاستمدار تاریخ کُرمانج شمال خراسان، در روز
یکشنبه ۳۰ مهرماه ۱۲۷۲ خورشیدی، برابر با ۲۲ اکتبر ۱۸۹۳ میلادی می‌باشد، و جنازه ایشان طی تشریفات
خاصی به مشهد منتقل و در بارگاه امام رضا در مقبره خانوادگی زعفرانلو در کنار برادر و نیاکانش دفن می‌شود.
متأسفانه در روز جمعه ۲۶ آبان ۱۲۷۲ خورشیدی، برابر با ۱۷ نوامبر ۱۸۹۳ میلادی نیز زلزله قوچان به وقع
می‌پیوندد، همه شهر زیر و زبر می‌شود و عده زیادی در زیر آوار می‌مانند و از بین می‌روند. فاصله فوت میر
رشیدخان تا وقوع زلزله فقط ۲۷ روز بوده است. بدین ترتیب دو حادثه نزدیک به هم سوگواری و مرثیه‌هایی
مرتبط را بوجود آورده است.

Qoçan xerabe lêlo Meşhed abade lo
قوچان خرابه للو مشهد آباده لو

Way way Reşîdxan serdarê kulî (giştî) Qoçan (2)
های های با تو هستم رشیدخان سردار کل قوچان (۲)

کُرمانج های خراسان (بالاخص با همکاری اسمر خانم همسر میر رشیدخان)، شعر « وای وای رشیدخان» را
برای مرگ میر رشیدخان درست کردند و در مراسم سوگواری و تدفین ایشان اجرا کردند، در زلزله قوچان که

ضایعه ای بسیار دردناک و پر سوز بود مردم آن را در سوگ عزیزان از دست رفته خویش نیز اجرا کردند، تا از این طریق هم غم و درد خود را تسکین دهند و هم روح رفتگان خود را متعالی کنند.

رشیدخان لقبی بود که مردم گرمانج به میر حسین خان داده بودند و اصولاً کلمه رشید برای افرادی به کار برده شده و می‌شود که شجاع و دلیر بوده‌اند. کلمه " شجاع الدوله " لقبی بود که حاکمین فارس زبان مرکز نشین (ناصرالدین شاه قاجار) به امیر و حاکم گرمانج شمال خراسان داده بودند (بواسطه خدمات شجاعانه ایشان در برابر تاخت و تاز اوزبکان و ترکمانان)، اما برای مردم در منطقه بیان لفظ گرمانجی آن یعنی همان رشیدخان معمول و رایج بوده و هست.

در واقع تمامی شعر و موسیقی اولیه " وای وای رشیدخان " به زبان گرمانجی و نشان‌دهنده حالات تألم و تأثر مردم محل از فوت امیرحسین خان و بعد هم حادثه زلزله ناگوار قوچان بوده است، اگرچه امروزه اجرای آن به مرور زمان در ردیف موسیقی شاد قرار گرفته است.

از آنجا که گردهای شمال خراسان در نواحی مرزی شمال شرق ایران، بعنوان یکی از نقاطی که ایران همیشه از این مسیر مورد یورش اقوام مهاجم از ناحیه خوارزم بوده، می‌باشند لذا گره‌های خراسان همیشه در معرض کشتارها، غارت‌ها، اسارت‌ها و آوارگی‌ها بوده‌اند. ناملاپمات دردناک و دلخراش از ویژگی‌های این گونه زندگی بوده است و این ویژگی‌ها تأثیر مستقیمی بر موسیقی مردم گرمانج نیز گذاشته است.

بطور کلی موسیقی مقامی این دیار برای حوادث و سوانح تحمیلی بر مردم درست می‌شدند. قسمتی از موسیقی شمال خراسان موسیقی کوهپایه‌ای است. مثل کوهپایه‌های هزار مسجد در منطقه لایین، شاهی جان، گلیل و دامنه های اترک، موسیقی کوهپایه‌ای توأم با فریاد است و در مقایسه با موسیقی جلگه قوی‌تر، رساتر و گاه تندتر است.

مقام الله مزاره آهنگی است که پس از غارت و کشتارها و اسارت بر فراز مزار عزیزان از دست رفته خوانده می‌شد. الله مزاره، واچه روزگاره؟ دو قرسه پس از قتل عام و کشتار، مرده‌ها را در وسط جمع می‌کردند و دور اجساد دور می‌زدند و مشغول ذکر می‌شدند و این مبدأ رقص دو قرسه بود. مقام انارکی مربوط به لحظات پس از هجوم بیگانگان و کشتار و انباشت اجساد بوده است. زنان دور اجساد جمع می‌شدند و نار می‌زدند و گریه و زاری می‌کردند. مقام "هرای" هوار و فریاد در دل کوهستان است و گویای زندگی پرحادثه و پرسوز و گداز و آوارگی مردم گرد است. مقام و آهنگ " وای وای رشیدخان " پس از مرگ رشیدخان، با توجه به شدت و حدت ضایعه از دست دادن ایشان درست و توسط بخشی های گرمانج اجرا شد و بعداً هم تا مدتی کم و بیش تداوم داشت.

به طور کلی بسیاری از آهنگ‌هایی که در شمال خراسان زمانی برای سوگ اجرا می‌شدند پس از گذشت سالیان دراز آرام آرام تغییر حالت داده‌اند و حتی از آنها گاه به عنوان آهنگ‌های رقص نیز استفاده می‌کنند. مثلاً « وای وای رشیدخان » که ابتدا برای سوگ بوده، امروزه یک موسیقی شاد و برای رقص است. در زبان گُردی، گویش یا لهجه های گرمانجی و سورانی کمی تفاوت دارند، (البته که این نرمال است و خود غنی و بسط زبان بسیار زیبا و شیرین گُردی را می‌رساند، گُردها در هر کجا و با هر لهجه ای که صحبت می‌کنند بایستی لغات و مصاحبت محلی خود را حفظ و تداوم دهند که خود بخشی از گنجینه عظیم فرهنگ و زبان و ادب ملت گُرد است). تفاوت میان این دو گویش گاه‌ها در زمینه موسیقی نیز مشهود است، به عنوان مثال می‌توان به آهنگ « لو Lo » اشاره کرد که برآستی یکی از اصیل‌ترین، کهن‌ترین، زیباترین و موثرترین آهنگ و نغمه گُردی است و وجه تمایز موزیک گرمانجی و سورانی نیز هست. بدین معنی کسی که بتواند « لو Lo » را بخواند، می‌تواند از گرمانج‌ها (گُردهای خراسان، ارومیه، کردستان باکوور، کردستان روژاوا، گُردهای بهدینان در شمال عراق و یا منطقه قره باغ در قفقاز) باشند.

در باره « لو Lo » یا « لا La » ، که در فارسی تقریباً معنی فرزند را می‌دهد و در حقیقت خطاب به مردم است. در واقع کلمه « Lolo / Lala / Lêlo » خطاب به مرد و یا بطور کلی خطاب به مردم گفته می‌شود. اگر برای زن باشد Lê / Lê می‌باشد.

بطور کلی اشعار گُردی اغلب به شکل هجایی هستند که تعداد هجاها می‌تواند از هشت هجا تا شانزده هجا باشند. ترانه‌های عاشقانه بیشتر در قالب‌های هشت هجایی است که تعداد هجاها می‌تواند از هشت تا شانزده هجا نیز باشند. آهنگ یا مقام بغایت زیبایی « لو Lo » اغلب در برگزیده قالب‌های یازده تا شانزده هجایی است.

همانطور که بیان شد شعر " وای وای رشیدخان " برای اولین بار برای مراسم سوگواری و مرثیه خوانی شجاع‌الدوله درست شد و به زبان گُردی بود و سپس در حادثه زلزله قوچان نیز اجرا شد، بعداً هموطنان عزیز فارس مرکز نشین بواسطه هژمونی زبان فارسی (زبان رسمی و کتابت ایران) آن را به فارسی در آوردند، و آهنگ را از حالت و مایه اصلی خود خارج کردند. البته گُردها در محل کم و بیش گُرمانجی آن را می‌خواندند، کما اینکه حتی در مراسم سوگواری سردار سید رشید (که اتفاقاً تشابه اسمی با رشیدخان / شجاع‌الدوله نیز داشت) در سال ۱۳۳۲ خورشیدی آن را هم به فارسی و هم به گُرمانجی اجرا کردند [سید رشید نیز یکی از سرداران قهرمان گُرمانج بود که در سال ۱۳۲۰ خورشیدی (که با رفتن رضا شاه فضایی برای فعالیت آزادیخواهان پدید آمده بود) برای حقوق گُرمانج ها به دادخواهی بر علیه حکومت مرکزی قیام کرد و در این راه جان خویش را نیز فدای مردم خود نمود]. بهر حال این آهنگ فراز و نشیب‌های زیادی را پیموده است، و این مطلب نیز برای روشن شدن وضع و جریان این آهنگ و چگونگی بهم آمیختگی (آسیمیله کردن و هضم کردن نرم) آن بیان می‌شود.

امیدوارم که بخشی‌های عزیز و دیگر هنرمندان گرانقدر گُرمانج شمال خراسان بتوانند این یادگار تاریخی مراسم سوگواری گُرمانج های خراسان را به زبان گُرمانجی و با پوشش محلی گُرمانجی اجرا کنند و آن را به مایه و اصل تاریخی خود برگردانند. در حماسه‌های ملی غرورآمیز گُرمانجی و همچنین در مراسم سوگواری عزیزان خویش اجرا کنند و بدینسان هم فرهنگ غنی گُردی را مزین و تداوم دهند، و هم به رفتگان خود ارج نهند، و روح آنان را با این آهنگ تاریخی سوزش و سازش در هجران، شادمان و متعالی کنند.

توضیح اینکه، آهنگ اصلی گُرمانجی " وای وای رشیدخان " در ردیف شارتر و ۶ بر ۸ است، اما بعداً آن را گاه‌ها در ریتم ۲ بر ۴ نیز اجرا کرده‌اند.

Îro du ro ne lêlo sibe sê ro ne lo
امروز دو روزه لُلو فردا سه روزه لو

Reşîd nehatiye lêlo dil dişewite lo
رشید نیومد لُلو دلم می‌سوزه لو

Way awy Reşîdxan serdarê kulî Qoçan (2)
وای وای رشیدخان سردار کل قوچان(۲)

Tu çûy te negot lêlo, yarek min heye lo
رفتی نگفتی لُلو یک یاری دارم لو

Li şehri xerîb lêlo, dildar min heye lo
در شهر غربت لُلو دلداری دارم لو

Way way Reşîdxan serdarê kulî Qoçan (2)
وای وای رشیدخان سردار کل قوچان(۲)

Va kincên kê ne lêlo, kincê yarê ne lo
این رخت کینه لُلو رخت یارمه لو

Dixwazim bişom lêlo, bi ava gulan lo
می خوام بشورم لלו با آب گلها لو

Way way Reşîdxan serdarê kulî Qoçan (2)
وای وای رشیدخان سردار کل قوچان(۲)

Kincê hakime lêlo, bi çavan bişom lo
رخت حاکمه للو با چشم بشویم لو

Gul bihara me lêlo, bi çavan bişom lo
گل بهارمه للو با چشم بشویم لو

Way way Reşîdxan serdarê kulî Qoçan (2)
وای وای رشیدخان سردار کل قوچان(۲)

Mîr Reşîdxan (Serdarê kulî Qoçan) (سردار کل قوچان) میر رشیدخان

<http://www.youtube.com/user/Kavanlu#p/u/0/CsQXPhzfTeM>

<http://www.youtube.com/watch?v=uP9rObuq9Qk>

<http://www.youtube.com/watch?v=sjNYViQZLkE>

<http://www.youtube.com/watch?v=D6QCaY2ES3k>

<http://www.youtube.com/watch?v=XVqiYX423H0>

http://www.youtube.com/watch?v=Dg2_okcSiZU
